

مشاوره اداری - مالی

جمشید رضایی

وضعیت تعیین نصاب معاملات جزئی، متوسط و عمده‌ی شهرداری‌ها موضوع ماده یک آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها چه تغییراتی نموده است و آیا نصاب معاملات دولتی موضوع ماده ۳ قانون یاد شده قابل تسری به معاملات شهرداری‌ها می‌باشد یا خیر، به اطلاع می‌رساند در سال ۱۳۸۸ قانونی تحت عنوان قانون اصلاح ماده ۲۰ مکرر آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در آن مقرر گردید نصاب معاملات شهرداری‌ها با پیشنهاد وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها یا هر یک از آنها و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد. بر همین اساس هیأت محترم دولت طی تصویب‌نامه شماره ۴۴۵۳۵/۵۰۶۸۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۵ بنا به پیشنهاد وزارت کشور نصاب معاملات شهرداری‌ها موضوع ماده یک آیین‌نامه‌ی مالی شهرداری‌ها بر حسب درجه شهرداری‌ها را به شرح زیر تعیین نموده است:

۱- نصاب معاملات شهرداری‌های درجه (۱) تا (۶):

الف - معاملات جزئی: معاملاتی که میزان آن از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تجاوز ننماید.

ب - معاملات متوسط: معاملاتی که میزان آن بیش از سقف معاملات جزئی بوده و از مبلغ پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بیشتر نباشد.

ج - معاملات عمده: معاملاتی که سقف آن از معاملات متوسط بیشتر باشد.

۲- نصاب معاملات شهرداری‌های درجه (۷) تا (۱۰):

الف - معاملات جزئی: معاملاتی که میزان آن از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تجاوز ننماید.

ضمن عرض تشکر از زحمات دست‌اندرکاران ماهنامه شهرداری‌ها، احتراماً به اطلاع می‌رساند پس از تصویب قانون برگزاری مناقصات، شهرداری‌های این استان در خصوص حد نصاب معاملات (جزئی، متوسط و عمده) با مشکل جدی مواجه شده‌اند و به همین جهت سئوالاتی را برای رفع مشکل از معاونت عمرانی استانداری مطرح می‌نمایند این استانداری نیز در ارائه پاسخ قطعی مردد می‌باشد با توجه به جایگاه مهم نشریه ماهنامه شهرداری‌ها در اطلاع‌رسانی به شهرداری‌ها و استانداریها و رفع معضلات مالی آنها لطفاً اعلام فرمایید آیا نصاب معاملاتی دولتی که در اجرای ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات هر ساله به تصویب هیأت محترم دولت می‌رسد قابل تسری به شهرداری‌ها می‌باشد یا خیر؟ در صورت قابل تسری بودن آن، شرایط و تشریفات آن چگونه خواهد بود آیا نیازمند تصویب هیأت دولت می‌باشد یا اینکه در اجرای قانون تطبیق سقف معاملات شهرداری‌ها با معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۷۶ خود به خود به محض تصویب به شهرداری‌ها سرایت می‌نماید؟ در هر صورت در حال حاضر نصاب معاملات جزئی، متوسط و عمده‌ی شهرداری‌ها با توجه به آخرین مقرر چه میزان است؟ □ فارغ از اینکه با تصویب قانون برگزاری مناقصات

مشمول مجازات مندرج در ماده‌ی ۱۸۱ قانون کار و بند (ج) ماده ۱۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت می‌شود. لازم به ذکر است چون مسؤولیت نظارت بر حسن اجرای قانون کار جزو وظایف وزارت کار و امور اجتماعی است و به منظور نظارت و اعمال مقررات در بخش اشتغال اتباع بیگانه، در وزارت کار اداره‌ای تحت عنوان «اداره کل اشتغال اتباع بیگانه» تشکیل شده است لذا وظیفه برخورد با کارفرمایان خاطی و پیگیری پرونده آنها در مرجع قضایی نیز جزو وظایف وزارتخانه یاد شده می‌باشد.

▲ احتراماً همانگونه که مستحضردند وضع عوارض محلی به استناد بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و تبصره یک ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده بر عهده‌ی شورای اسلامی شهر می‌باشد یکی از اقلام عوارض مذکور عوارض نیم درصد قراردادهای پیمانکاری می‌باشد و به موجب تعرفه، دستگاهها موظفند نیم درصد از مبلغ قرارداد را از هر صورت وضعیت پیمانکاران کسر و به حساب شهرداری محل اجرای قرارداد واریز نمایند. بر همین اساس این شهرداری به استناد تعرفه عوارض و نیز رأی شماره ۱۴۷۶ مورخ ۱۲/۱۲/۸۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عوارض پیمانکاری را مطالبه نمود اما سازمان امور اقتصادی و دارایی استان اعلام نموده است: «به موجب ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ از تاریخ لازم الاجرا شدن آن قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه... (موسوم به قانون تجمیع عوارض) و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات خاص و عام مغایر مربوط به دریافت هر گونه مالیات غیر مستقیم و عوارض بر واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لغو گردیده است. برقراری و دریافت هر گونه مالیات غیر مستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و ارائه دهندگان خدمات به جز موارد مستثنی شده به شرح قسمت اخیر این ماده ممنوع می‌باشد بنابراین کسر نیم درصد عوارض پیمانکاری که جزء مستثنیات ماده‌ی مذکور احصاء نگردیده است از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده

ب - معاملات متوسط: معاملاتی که میزان آن بیش از سقف معاملات جزئی بوده و از مبلغ یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بیشتر نباشد.

ج - معاملات عمده: معاملاتی که سقف آن از معاملات متوسط بیشتر باشد.

۳- نصاب معاملات شهرداری‌های درجه (۱۱) و (۱۲) شهرهای با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر:

الف - معاملات جزئی: معاملاتی که میزان آن از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تجاوز ننماید.

ب - معاملات متوسط: معاملاتی که میزان آن بیش از سقف معاملات جزئی بوده و از مبلغ سیصد میلیون (۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بیشتر نباشد.

ج - معاملات عمده: معاملاتی که سقف آن از معاملات متوسط بیشتر باشد.

۴- نصاب معاملات شهرداری‌های با جمعیت بالاتر از یک میلیون نفر:

الف - معاملات جزئی: معاملاتی که میزان آن از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تجاوز ننماید.

ب - معاملات متوسط: معاملاتی است که میزان بیش از سقف معاملات جزئی بوده و از مبلغ پانصد میلیون (۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بیشتر نباشد.

ج - معاملات عمده: معاملاتی است که سقف آن از معاملات متوسط بیشتر باشد.

▲ اگر شهرداری بخواهد در برخی از پروژه‌های عمرانی از خدمات کار اتباع بیگانه اتباع افغانه استفاده نماید چگونه باید اقدام نماید؟ ضمناً برخی از پیمانکاران شهرداری در انجام موضوع مورد پیمان چنانچه بدون رعایت مقررات از اتباع بیگانه استفاده نمایند تکلیف چیست؟

□ بکارگیری اتباع بیگانه تابع ضوابط و مقررات مندرج در مبحث سوم قانون کار و امور اجتماعی تحت عنوان «اشتغال اتباع بیگانه» می‌باشد. اشتغال اتباع بیگانه در کشور جمهوری اسلامی ایران مستلزم داشتن روادید ورود با حق کار مشخص و پروانه کار (موضوع مواد ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۹ قانون کار و امور اجتماعی) می‌باشد و کارفرمایان اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی (حقوقی حقوق خصوصی و حقوقی حقوق عمومی) حق بکارگیری اتباع بیگانه را بدون رعایت شرایط مذکور ندارند. در صورتی که کارفرمایی بدون رعایت ضوابط قانونی اقدام به بکارگیری اتباع بیگانه نماید

مجوزی ندارد. ضمناً به موجب ماده ۳۴ قانون دیوان عدالت اداری کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده ۱۳ این قانون مکلفند آرای دیوان را پس از ابلاغ فوراً اجرا نمایند. رأی شماره ۱۴۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ دیوان عدالت در خصوص اخذ عوارض فوق‌الذکر قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده لازم‌الاجرا می‌باشد» لطفاً اعلام نمائید آیا عوارض پیمانکاری در زمان اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده قابل وصول می‌باشد یا خیر؟ آیا رأی دیوان در حال حاضر مغایر با قانون اخیر است؟

□ در رأی شماره ۱۴۷۶ مورخ ۸۶/۱۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری چنین است: «با توجه به تبصره یک ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی

برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱، وضع عوارض محلی جدید و افزایش عوارض قبلی توسط شورای اسلامی شهر با رعایت مقررات مربوط مجاز است. نظر به مراتب فوق‌الذکر ردیف ۶۷ مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۶ شورای اسلامی شهر اردکان یزد مبنی بر برقراری عوارض به میزان نیم درصد از قراردادهای پیمانکاری اعم از عمرانی، اجرایی، مشاوره‌ای، مطالعاتی، بازرگانی، تجاری، صنعتی، خدماتی و ساختمانی در قلمرو شهر مزبور مغایرتی با قانون ندارد». همانگونه که ملاحظه می‌گردد اساس رأی یاد شده بر پایه‌ی تبصره‌ی یک ماده ۵ قانون تجمیع عوارض استوار است و حکم مذکور در تبصره یک ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ نیز تکرار شده است لذا از این حیث قانون اخیر تأثیری بر رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نگذاشته و کماکان به قوت خود باقیست.



رأی شماره‌های ۸۳۶ - ۸۳۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر برقراری توأمان حق همترازی و فوق‌العاده ویژه کارشناسان موجه نمی‌باشد

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۱/۱۹

شماره دادنامه: ۸۳۵، ۸۳۶

کلاس پرونده: ۵۳۱/۸۸ و ۵۳۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاک: آقای محمد شرافتی و مدیر کل امور اداری وزارت جهاد کشاورزی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب هشتم، پانزدهم و سی و دوم دیوان عدالت اداری

گردشکار: الف- شعبه پانزدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس: ۳۰۷۲/۸۵ موضوع شکایت خانم میترا پاشاپور به طرفیت سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور به خواسته: اصلاح حکم کارگزینی و استفاده توأمان از مزایای حق همترازی و فوق‌العاده ویژه طرح مسیر ارتقاء شغلی به شرح دادنامه شماره ۲۹۳ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۹ به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به اینکه مبنای برقراری مزایای حق همترازی بر اساس مدرک تحصیلی فوق لیسانس و مبنای پرداخت فوق‌العاده ویژه طرح مسیر ارتقاء شغلی شغل شاک می‌باشد و با عنایت به اینکه این دو مقوله نیز منفک از یکدیگر می‌باشند، لذا بر این اساس پرداخت توأمان این دو به مستخدم منع قانونی ندارد. بنابه مراتب فوق بار دفاعیات غیرموجه مشتکی عنه حکم به الزام طرف شکایت نسبت به اصلاح حکم کارگزینی و پرداخت توأمان این دو فوق‌العاده به شاک صادر و اعلام می‌نماید ب- شعبه هشتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس: ۲۱۷/۸۶ موضوع شکایت: آقای محمد شرافتی به طرفیت: وزارت جهاد کشاورزی و سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور به خواسته اصلاح احکام کارگزینی شماره ۱۵۵۲۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱ و احکام بعد از آن به شرح دادنامه شماره: ۱۳۰۵ مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۶ به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به اینکه مطابق صراحت ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولتی مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی بایستی حقوق و فوق‌العاده شغل دارندگان مدرک تحصیلی دکتری و فوق لیسانس و مدرک همترازی از ۸۰ درصد مجموع حقوق و فوق‌العاده شغل اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها کمتر نباشد و در این قانون هیچ‌گونه اشاره‌ای به مابه‌التفاوت همترازی

نشده و ابلاغ این عنوان بدون حکم قانونی فاقد وجه قانونی بوده و قابلیت اجرا ندارد و بالتفاوت به اینکه عدم اعمال افزایش حقوق و فوق العاده شغل در میزان حق جذب شاکی تاثیر منفی داشته و باعث تقلیل آن گردیده است. لذا توجهاً به مراتب فوق و همچنین با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۱۶۳ الی ۱۶۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خواسته شاکی موجه تشخیص و حکم به ورود شکایت نامبرده و اصلاح حکم کارگزینی مشارالیه ضمن تعیین میزان صحیح حقوق و فوق العاده شغل با اعمال ماده ۶ و ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت با احتساب میزان فوق العاده جذب براساس حقوق و فوق العاده شغل افزایش یافته صادر و اعلام می گردد. ج. شعبه سی و دوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه: ۱۶۲۹/۸۶ موضوع شکایت آقای محمد شرافتی به طرفیت وزارت جهاد کشاورزی و سازمان جنگل ها و مراتع و آبخیزداری کشور به خواسته اجراء و پرداخت فوق العاده ویژه و طرح مسیر ارتقای شغلی، همزمان با طرح همترازی موضوع ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت به شرح دادنامه شماره ۱۶۱۷ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۸ به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به اینکه نامبرده دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بوده و از آنجایی که به موجب مصوبه شماره ۴۱۶۹ ت ۲۵۷۰۳ مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۳ هیأت وزیران که در ماده ۳ مقرر داشته، پرداخت فوق العاده مذکور شامل افرادی که مشمول ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و همترازی اعضای هیأت علمی شده اند نمی باشد و مستفاد از آراء وحدت رویه شماره ۷۷۸-۷۷۹ مورخ ۱۳۸۵/۱۷/۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اجرای طرح همترازی موضوع ماده ۸ قانون هماهنگ کارکنان دولت برای مشمولین آن الزامی بوده و استفاده همزمان از مزایای مذکور در ماده ۸ قانون نظام هماهنگ طرح مسیر ارتقاء شغلی معلمان فاقد محمل قانونی دانسته و شکایت شاکی مستند به دلیل قانونی نبوده و بنابراین شکایت وی غیر وارد و حکم به رد شکایت نامبرده و به استناد تبصره ماده ۴۴ قانون دیوان عدالت اداری صادر می گردد. د. شعبه سی و دوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه های: ۱۸۵۶۴/۸۵ و ۱۸۵۶۷/۸۵ و ۱۸۵۶۵/۸۵ و ۱۸۵۶۳/۸۶ موضوع شکایت آقایان ۱- آقای شهاب نوبخت حقیقی ۲- آقای مهدی خلیلی مرندی ۳- آقای حسین مهدی دوست ۴- آقای مرتضی ادیب به طرفیت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارت جهاد کشاورزی به خواسته: الزام خواندگان به برقراری پرداخت فوق العاده ویژه موضوع مصوبه ۵۳۱۹۴۱۷/۵۴۱۰۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۵ هیأت وزیران به شرح دادنامه های ۳۱۱ و ۳۱۳ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۱ و ۳۱۲ و ۳۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۳/۱۹ به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده اند: نظر به اینکه نامبرده جزء اعضای هیأت علمی نبوده و به موجب ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت قانونگذار تنها حقوق و فوق العاده شغل دارندگان مدرک تحصیلی دکتری و فوق لیسانس و مدارک همترازی از لحاظ استخدامی که در مراکز یا واحدهای آموزشی و مطالعاتی و تحقیقاتی اشتغال داشته را کمتر از ۸۰ درصد مجموع حقوق و فوق العاده شغل کارکنان مشابه مشمول قانون اعضای هیأت علمی دانشگاه ها ندانسته است با توجه به اینکه مصوبه فوق الذکر به عنوان فوق العاده ویژه هیأت علمی که خاص هیأت علمی دانشگاه بوده و فوق العاده مذکور شامل فوق العاده شغل نبوده که موجب تسری آن به غیر هیأت علمی گردد هر یک از فوق العاده های خاص و فوق العاده شغل تحت عناوین جداگانه ای بوده که قانونگذار در موارد مختلف قانونی به آن اشاره و توجه داشته است و شمول فوق العاده ویژه و خاص به افراد غیر از موضوع مصوبه نیاز به تصریح مصوبه و یا قانون داشته بنابراین فوق العاده خاص موضوع مصوبه مشمول مقررات ماده ۸ قانون نظام هماهنگ نبوده که قابل اعمال و اجراء برای شاکی بوده باشد. با توجه به مراتب فوق شکایت نامبرده منطبق با موازین قانونی نبوده حکم به رد شکایت وی صادر می گردد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء تعارض بین آرای مذکور را محرز دانسته سپس به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

از مجموع آراء ارائه شده توسط شکات دادنامه شماره ۲۹۳ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۹ شعبه ۱۵ با دادنامه شماره ۱۶۱۷ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۸ شعبه ۳۲ دیوان عدالت اداری متعارض است با توجه به اینکه هیأت وزیران در بند ۳ تصویب نامه شماره ۴۱۶۹ ت ۲۵۷۰۳ مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۳ موضوع برقراری فوق العاده ویژه کارشناسان، مشاوران و مدیران پرداخت توأمان حق همترازی و فوق العاده مذکور را منع نموده است و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هم در مقام رسیدگی به خواسته ابطال بند فوق الذکر مطابق دادنامه شماره ۲۲۱-۲۲۰-۲۱۹ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲۰ بنابر اختیارات قوه مجریه در تعیین مزایای فوق العاده خاص مقرر در ماده ۶ قانون نظام هماهنگ بند ۳ تصویب نامه را خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص نداده است و پرداخت تابع مصوبه هیأت وزیران می باشد، بنابراین تقاضای برقراری توأمان حق همترازی و فوق العاده ویژه کارشناسان موجه نیست، لذا در نتیجه حکم به رد صادره از شعبه ۳۲ دیوان به شماره ۱۶۱۷ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۸ صحیح می باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان صادر شده و برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوطه در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضایی

دیوان عدالت اداری مبشری

رأی شماره ۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص افرادی که قبل از تصویب آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه به عنوان نخبه شناخته شده اند از تاریخ تصویب آیین نامه از مزایای مندرج در آن بهره مندمی گردند

تاریخ: ۱۳۸۹/۲/۶

شماره دادنامه: ۱۷

کلاس پرونده: ۱۳/۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای حسن دولابی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و سوم دیوان عدالت اداری

گردشکار: الف - شعبه اول دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۸۹۶/۸۶ موضوع شکایت آقای حسن دولابی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی تهران به خواسته برخورداری از فوق العاده ویژه نخبگان به شرح دادنامه شماره ۱۰۲۳ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۹ به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است، نظر به اینکه فوق العاده ویژه نخبگان ناشی از آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه است که تاریخ اجرای آن ۱۳۸۴/۲/۲۴ می باشد و با عنایت به اینکه تاریخ استخدام و اخذ مدرک لیسانس توسط شاکي و احراز رتبه اول توسط وی در کنکور مربوطه پیش از تاریخ اجرای آیین نامه مزبور بوده و توجهاً به مفادنامه شماره ۲/۱۴۳۶۰۴ مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۷ سازمان مدیریت مینی بر نکات مربوط به اجرای آیین نامه مارالذکر تخلفی از حیث نقض قوانین و مقررات از ناحیه مشتکی عنه ملحوظ نبوده لذا حکم به رد شکایت مطروحه صادر و اعلام می دارد. ب - شعبه سوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۵۶/۸۶ موضوع شکایت آقای محمدرضا دهقانی به طرفیت مرکز نوسازی و تحول اداری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی تهران به خواسته استفاده از فوق العاده ویژه نخبگان به شرح دادنامه شماره ۲۲۰۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۳ به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به اینکه آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه مصوب ۱۳۸۳/۶/۲۹ هیأت وزیران منطوقاً و مفهوماً به کارکنان شاغل در دستگاه های دولتی که قبل از تاریخ تصویب آن استخدام شده باشند، شمول دارد و هیچ یک از مواد آن دلالت بر انصراف آیین نامه مذکور از مستخدمین قبل از تصویب آن ندارد و از طرفی مشتکی عنه هم دفاع موجهی که مبین منع قانونی شمول آیین نامه موصوف نسبت به شاکي باشد، ارائه و ابراز ننموده است و مکاتبات سازمان مدیریت و برنامه ریزی هم مؤثر در مقام به نظر نمی رسد، لذا با وارد دانستن شکایت شاکي حکم به الزام خواننده به اجرای آیین نامه مذکور و برقراری فوق العاده ویژه نخبگان در حق شاکي از تاریخ اجتماع شرایط قانونی صادر و اعلام می گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه های فوق الذکر محرز به نظر می رسد. ب - نظر به اینکه ماده ۲ آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه در مقام بیان ویژگی های افراد نخبه و تعیین مصادیق آن صرف نظر از زمان احراز ویژگی مزبور می باشد و مآلاً بنا به مقتضای تاثیر فوری مقررات، کلیه افرادی که دارای یکی از خصوصیات ذکر شده در آیین نامه فوق الاشعار باشند از جمله افراد نخبه مشمول آیین نامه مذکور تشخیص می گردند. بنا به مراتب، افرادی که قبل از تصویب آیین نامه یاد شده در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱۲ از شرایط و ویژگی مذکور برخوردار بوده اند، به عنوان نخبه شناخته شده و از تاریخ تصویب آیین نامه از مزایای مندرج در آن بهره مند می گردند. لذا دادنامه شماره ۲۲۰۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۳ شعبه سوم دیوان عدالت اداری دایر بر ورود شکایت شاکي در حدی که متضمن این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می گردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری